



## پشت صحنه بیانیه هسته‌ای سوئیس

\* سید حسین موسویان

تاریخ: ۰۱ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۸:۰۰

کد خبر: ۲۰۰۹۲

ایران و قدرت‌های بزرگ پس از ۱۲ سال مذاکره بالاخره توانستند در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ به یک چارچوبی برای توافق نهایی بحران هسته‌ای ایران برسند. دوطرف اعلام کرده‌اند که می‌خواهند با سه ماه مذاکره فشرده به توافق جامع برسند. من نقطه نظراتم در مورد ابعاد فنی این تفاهم را در سطح رسانه‌های جهانی مطرح کرده‌ام و لذا بنا ندارم در این نوشته به آن بپردازم. صرفاً به این واقعیت بسنده می‌کنم که این چارچوب مطلوب و ایده‌آل هیچ یک از طرفین نبوده و اگر توافق جامع هم حاصل شود، آن هم ایده‌آل هیچ یک از طرفین نخواهد بود.

واقعیت این است که ایران و ۶ قدرت جهانی در تفاهم ۱۳ فروردین ۹۴ در لوزان سوئیس، امتیازات متقابل بزرگی به هم دادند و امتیازات متقابل بزرگی نیز از هم گرفتند. در سخنرانی اخیری که در ساختمان کنگره آمریکا داشتم، پنج امتیاز بزرگی که ایران گرفته، پنج امتیاز بزرگی که قدرت‌های بزرگ جهانی گرفته و پنج امتیاز بزرگی که جامعه جهانی گرفته را برشمردم. به یک معنی هر دو طرف مذاکره برنده و به یک معنی هردو بازنده بوده‌اند.

در کلیات توافق شده ایران دو امتیاز بزرگ گرفت. اول برداشته شدن تحریم‌ها و دوم تأمین حقوق ایران در بهره‌مندی از تکنولوژی صلح‌آمیز ایران از جمله غنی‌سازی. قدرت‌های جهانی هم دو امتیاز بزرگ گرفتند. اول: محکم‌ترین راستی‌آزمایی‌های تاریخ هسته‌ای جهان و دوم محدودیت‌های فوق‌العاده در بخش غنی‌سازی و آب سنگین ایران. ضمناً به این هم اشاره کنم این اولین بار در تاریخ هسته‌ای جهان است که قدرت‌های جهانی رسماً «اصل غنی‌سازی» را در یک کشور پذیرفته‌اند. فلذا توافق جامع هم در صورت حصول، همین گونه خواهد بود در غیر این صورت توافق نهایی ممکن نخواهد بود.

همه بحث‌های فعلی در تهران و واشنگتن و در سطح جامعه جهانی عمدتاً در مورد ظرفیت غنی‌سازی، کم و کیف برداشته شدن تحریم‌ها، آب سنگین اراک، سایت‌های غنی‌سازی نطنز و فردو، تحقیقات و توسعه، ابعاد بازرسی‌ها و ذخیره غنی‌سازی ایران است. اما از نظر من، اصل دعوای واقعی پشت پرده در آمریکا و اسرائیل بر سر هیچ یک از اینها نیست و این مباحث ظاهری قضیه است.

لازم به توضیح نیست که اساس استراتژی آمریکا بعد از انقلاب «تغییر رژیم» در ایران بوده است. تمام موضوعات اساسی مورد اختلاف ۳۵ سال گذشته مثل حقوق بشر و تروریسم و سلاح‌های کشتار جمعی هم صرفاً یک بهانه برای ایجاد فشار و تحریم به قصد براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده است. در این پنج سالی که در آمریکا بوده‌ام، در صدها مقاله و سخنرانی و مصاحبه، به امریکایی‌ها یادآوری کرده‌ام که واشنگتن در ۶۰ سال گذشته از رژیم‌های دیکتاتور و فاسد و غیر دموکرات در خاورمیانه حمایت کرده است، متحدین امروزش هم ذره‌ای از معیارهای دموکراسی و حقوق بشر غرب را ندارند و پشتیبان و حامی تروریسم کور تکفیری‌ها هم متحدین خود آمریکا است. مسلم بدانید این واقعیت‌ها برای کاخ سفید و جهان غرب کاملاً واضح است. زمانی که بحران هسته‌ای در سال ۱۳۸۲ کلید خورد، دغدغه اصلی بسیاری از دلسوزان کشور از جمله این بنده حقیر که عضوی از مجموعه بودم، این بود که اجازه ندهیم آمریکا از این موضوع به عنوان ابزاری برای اهداف و استراتژی کلیدی خود در مورد ایران استفاده کند. نگرانی اصلی هم این بود که پرونده به شورای امنیت نرود، در فصل هفت منشور قرار نگیرد، ایران موضوع تهدید صلح و امنیت بین‌الملل نشود و تحریم‌های ظالمانه اعمال نشود. گذشت آنچه گذشت و متأسفانه همه این موارد اتفاق افتاد و برای اولین بار هم اجماع جهانی در اعمال ظالمانه‌ترین تحریم‌ها به وجود آمد. اما آیا هدف آمریکا از این تلاش عظیم جهانی فقط برنامه هسته‌ای ایران بود؟ خیر هدف استفاده ابزاری از مسأله هسته‌ای برای ساماندهی حداکثر ظرفیت قدرت‌های جهانی و

مکانیزم‌های بین‌المللی جهت تحقق استراتژی دیرینه «تغییر رژیم» بود.

اما امروز دعوای اصلی در واشنگتن بر سر چیست؟ آیا اصل دعوا به خاطر این است که تحریم‌ها فوراً برداشته شود یا بتدریج؟ آیا غنی‌سازی محدود باشد یا نه؟ آیا ایران 5 سال دیگر چرخه صنعتی سوخت داشته باشد یا 15-10 سال دیگر؟ خیر! اینها همه مطرح هست اما اصل دعوای پشت پرده در واشنگتن بر سر ادامه یا تغییر سیاست «تغییر رژیم» است.

نتانیا‌هو و تعداد زیادی در کنگره می‌گویند که «توافق هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌ها» و گشودن راه برای «همکاری‌های بعدی با ایران و آمریکا» بر سر سایر مسائلی که اتفاقاً منافع مشترک هم داریم، مثل مبارزه با داعش و القاعده، در حقیقت به معنی «پایان استراتژی تغییر رژیم» و شروع فصل جدید «تعامل با ایران» است. چنین استراتژی موجب به رسمیت شناختن عملی «جمهوری اسلامی» و «جایگاه منطقه‌ای» ایران است. دوره آزمون سیاست آمریکا برای «تغییر رژیم» در ایران 35 سال طول کشیده است. دوره اعتمادسازی در تفاهم سوئیس هم 10 تا 25 ساله است. اصرار امریکایی‌ها برای گنجانیدن این دوره، ظاهراً برای اعتمادسازی در مورد مسأله هسته‌ای است اما باطناً دوره آزمون سیاست «تعامل با ایران» است.

مخالفین در واشنگتن اصرار دارند که این استراتژی موجب تضعیف یا حذف متحدین آمریکا در منطقه مثل اسرائیل و اعراب خواهد شد. این ترجمه واقعی حرف نتانیا‌هوس است که اعلام کرد توافق سوئیس موجودیت اسرائیل را به خطر می‌اندازد. در شهریور 1392، اوپاما به عنوان اولین رئیس جمهوری آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد که «تغییر رژیم در ایران» سیاست دولت او نیست. او فتوای هسته‌ای رهبر معظم انقلاب علیه سلاح هسته‌ای را به رسمیت شناخت. اوپاما بعد از تفاهم لوزان سوئیس در فروردین 94 نیز اعلام کرد که هم «سیاست تحریم» شکست خورده و هم ادامه سیاست «فشار و انزوا»ی ایران عاقلانه نیست. این حرف اوپاما هم نیاز به ترجمه ندارد.

من در این چند سال فرصت یافتم با صدها نفر از اساتید، ارباب جراید، مراکز فکری و سیاسیون سابق آمریکا و اروپا صحبت کنم تا به آنها بفهمانم که سیاست تغییر رژیم و فشار و تحریم ایران غلط است و باید با ایران بزرگ وارد همکاری شوید. این گفت‌وگوها شناخت من را هم از آمریکا بسیار بهبود بخشید. واقعیت پر تنش‌ترین نزاع پنهان و آشکار چند دهه اخیر در واشنگتن، به خاطر موضوع هسته‌ای نیست. چالشی که سهمگین‌ترین نزاع تاریخ سیاسی دولت‌های آمریکا با اسرائیل و اعراب متخاصم ایران را موجب شده است، بر سر «تغییر استراتژی تغییر رژیم در ایران» است. نزاعی که موجب تنفر بی‌سابقه جمهوریخواهان تندرو، صهیونیست‌های افراطی و برخی از کشورهای عربی کینه‌توز از اوپاما شده است. تنفیری که جناح بازهای آمریکا و اسرائیل و اعراب معاند نسبت به اوپاما به خاطر تعامل با ایران و تفاهم هسته‌ای سوئیس پیدا کرده‌اند، بسیار عمیق است.

سیاست «تعامل اوپاما با ایران» اگر به توافق نهایی منجر شود، به معنی فصل جدید در تاریخ سیاسی ایران و معادلات سیاسی خاورمیانه خواهد بود. لذا مطمئن هستم که اوپاما به سادگی از «گردنه تغییر استراتژی آمریکا در مورد ایران» عبور نخواهد کرد و زندگی سیاسی همه کسانی که در دو طرف ماجرا در مسیر تحقق توافق هسته‌ای حرکت کرده و می‌کنند نیز بدون ریسک نخواهد بود. معتقدم ما ایرانی‌ها نیز در مرحله عبور از سخت‌ترین گردنه سیاسی تاریخ بعد از انقلاب هستیم. این قرائت من از احتمال «توافق هسته‌ای» ایران و غرب است. خداوند متعال یار ملت مظلوم و ضامن خون شهدای انقلاب ایران بوده و ان‌شاءالله خواهد بود.

\*عضو پیشین تیم مذاکره هسته‌ای / ایران